

ریشه‌یابی ماجرای خیاط یهودی و گوژپشت در داستان‌های هزار و

یک شب

محمدجعفر میلان نورانی^۱، مجید کیهان‌فر^۲

چکیده

یکی از بخش‌های داستان‌های هزار و یک شب، ماجرای «خیاط یهودی و گوژپشت» است. در این بخش، فردی یهودی از اینکه ناخواسته موجب مرگ یک گوژپشت شده، نگران شده و ترسیده که اگر مسلمانان از کار او مطلع شوند، «نسل یهود را از زمین بردارند». در این فراز می‌توان به‌گونه‌ای «خشونت» را مشاهده کرد. این نوشتار در رویکردی تطبیقی، به دنبال ریشه‌یابی این عبارت، نسخه‌ها و ترجمه‌های متعدد داستان‌های هزار و یک شب را تورات کرده و به این نتیجه رسیده که جمله مزبور، در ریشه فارسی آن قبل از ترجمه به عربی وجود نداشته و هنگام برگردان مجدد آن از عربی به فارسی، به آن افزوده شده است یعنی در نسخه اصلی آن، چنین جمله‌ای وجود نداشته است.

کلیدواژه‌ها: داستان‌های هزار و یک شب، خیاط یهودی، هارون الرشید، عبداللطیف طسوجی.

مقدمه

افسانه‌های موسوم به هزار و یک شب که از منابع غنی داستانی به شمار می‌رود و شهرت و محبوبیتی فراوان در میان مردم و ادیبان دارد و نخست از فارسی به عربی منتقل و دوباره از آن زبان به فارسی ترجمه شده و همان نیز یگانه نسخه فارسی این مجموعه شده، باید گفت که در این فرایند خالی از تصرف نیز نمانده است؛ از باب نمونه غیر از نقل‌های عجیب و اغراق‌آمیزی که در لابه لای کتاب و در مدح هارون الرشید و دیگر بزرگان عرب نوشته شده و مجموعه هزار و یک شب را به گونه‌ای در خدمت پادشاهان عرب درآورده، سخنان دیگری نیز در آن اثر تاریخی-ادبی دیده می‌شود که به نظر تأمل‌برانگیز است. یکی از همین فرازهای قابل تأمل و درخور ریشه‌یابی، عبارتی در درون داستان «خیاط یهودی و گوژپشت» است به این مضمون که: «اگر مسلمانان بر جنایتکار بودن یک شهروند یهودی مطلع شوند، تمام یهودیان را خواهند کشت.» و این مقاله درصدد ریشه‌یابی این عبارت است. نوشتار پیش رو به این منظور به سراغ نسخه‌های متعدد افسانه‌های هزار و یک شب در زبان فارسی و عربی رفته و ضمن مقایسه‌های آن‌ها با یکدیگر و همچنین دقت در ویژگی‌های هر نسخه، به این نتیجه رسیده است که در هنگام برگرداندن نسخه عربی به فارسی، چنین فرازی در آن گنجانده شده و در نسخه فارسی کهن آن که سابقاً به عربی ترجمه شده، وجود نداشته است.

پیشینه تحقیق

درمورد آثاری که به بررسی داستان‌های هزار و یک شب پرداخته، می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: بشیرنژاد، حسن و دیگران، «تحلیل سیر روایت‌پردازی در داستان هزار و یک شب بر مبنای رویکرد نشانه-معناشناسی»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، شماره ۸، دوره ۱۰، ۱۴۰۰ ش. حاجی‌زاده، میترا و دیگران، تحلیل زمینه‌های تعلیمی حکایت «علاء‌الدین ابوالشامات» از مجموعه هزار و یک شب بر اساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۴۸، دوره ۱۳، ۱۴۰۰ ش. شیرخانی، احمد، «بررسی تطبیقی آگروتیسم جادویی در هزار و یک شب و صلابه ویرانگر اثر رابرت سوژی از منظر شرق‌شناسی ادوارد سعید»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۳۶، دوره ۱۹، ۱۴۰۰ ش. دادآفرین، امیررضا، «بررسی مسئله دخترکشی در ادبیات فارسی با نظر به شاهنامه فردوسی، تاریخ تعالیمی و هزار و یک شب»، نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی. طاهری، رضا و دیگران، «نشانه‌شناسی فرهنگی هسته بنیادین هزار و یک شب بر اساس متون هم‌ریخت»، دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، شماره ۶، دوره ۳، ۱۴۰۰ ش. عیسی‌پور، سهیلا، «روایت موسیقایی هزار و یک شب»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی زبان ادبیات تاریخ و تمدن، ۱۳۹۹ ش.

ولی آنچه نوشتار پیش رو از تحقیقات نامبرده متمایز می‌سازد، رویکرد تطبیقی نسخه‌های متعدد هزار و یک شب در آن است.

روش تحقیق

این نوشتار در روشی تطبیقی، به گردآوری و مطالعه نسخه‌های متعدد هزار و یک شب، از فارسی و عربی پرداخته است. به این صورت که داستان مورد بحث را در آن‌ها یافته و ضمن بررسی عوامل تهیه‌کننده آن نسخه، با دیگر نسخه‌ها مقایسه می‌کند. در ادامه، اجمالاً به ریشه‌یابی این مجموعه داستان پرداخته می‌شود.

هزار و یک شب در یک نگاه

داستان‌های جذاب و شگفت‌انگیز «هزار و یک شب»، از جمله حکایات و داستان‌هایی است که بعید است هر ایرانی دست‌کم چند حکایت از آن را جسته و گریخته نخوانده یا نشنیده باشد؛ قصه‌های مزبور قرن‌هاست که سینه به سینه و دفتر به دفتر از نسل‌های سابق به نسل‌های بعدی منتقل شده و هر دفعه نیز با قالبی متفاوت و ارائه‌ای شگرف، توجه مخاطبان را به خود جلب نموده است. مجموعه نامبرده تاکنون ده‌ها بار به زبان‌های مختلف تألیف، ترجمه، تحقیق و ویرایش شده است؛ می‌توان ادعا کرد یکی از عظیم‌ترین و گسترده‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین سلسله داستان‌های ایرانی، همین داستان است. مؤلفه‌های جذابیت این کتاب را عوامل متعددی می‌توان برشمرد؛ که یکی از آن‌ها، ادبیات بسیار زیبا و دل‌نشین آن است. در داستان‌های هزار و یک شب، هزار و یک داستان وجود ندارد، ولی هر داستان در قلب داستان دیگر است؛ مثلاً شهرزاد قصه‌گوی داستان، ماجرای وزیری را تعریف می‌کند که آن وزیر در همان داستان، داستان صیاد را تعریف می‌نماید و همان صیاد در قلب همان قصه، حکایت غول را می‌گوید و تا چندین لایه داخل یکدیگر فرو می‌روند و بعد کم‌کم سررشته به دست خود شهرزاد بازمی‌گردد (که این فرایند شاید ده شب یا بیشتر طول بکشد) و این خصیصه در منابع داستانی دیگر یافت نمی‌شود. این عنصر باعث تحریک حس کنجکاوی در مخاطب می‌شود. عنصر دیگر را می‌توان هوس‌انگیز بودن داستان‌ها دانست. در افسانه‌های هزار و یک شب، به‌وفور از عشق و معشوقه و زیبارویان همایون و خرم‌سخن به میان می‌آید (که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد)؛ و این نیز در جذب مخاطب بسیار مؤثر است. دیگر اینکه نحوه تعریف نمودن داستان‌ها به حدی زیبا و جذاب ارائه شده که مخاطب، خود را در عالم داستان همزادِ قهرمان داستان می‌پندارد. هزار و یک شب مخاطب را به بازی راه می‌دهد، از او کار می‌کشد و او را غریبه نمی‌داند؛ و برای همین مخاطب به آن علاقه می‌ورزد. فاکتورهای دیگری که برای هزار و یک شب می‌توان در نظر گرفت، هیجانی بودن داستان‌ها، مهندسی دقیق در چیش آن‌ها و عوامل دیگر است. هزار و یک شب جدید بنای خود را بر اصالت لذت و آزادی افراد می‌گذارد. به محض اینکه وارد حریم شخصی افراد می‌گردد، چشم و دل آنان را مملو از عشق به زنان بیگانه و زبانشان را تشنه شراب

کهنه ترسیم می‌کند؛ مخاطب هزار و یک شب، ملک شهریار جوان‌بخت است که شهرزاد قصه‌گوی او و خواهر شهرزاد «دنیا زاد» نیز همسر شهریار است که به استقبال ادامه قصه خواهر، سراپا گوش می‌شود.

در داستان‌های شهرزاد، هیچ‌کس به اندازه هارون الرشید و بعد از او جعفر برمکی ذکر نشده‌اند و این دو نیز همواره با بهت، زیرک، مقتدر و در عین حال مظلوم دوست معرفی گشته‌اند.^۳ به گفته مرحوم مغنیه، داستان‌های مزبور نقش خوبی را برای شهرت بیشتر هارون ایفا نمود (مغنیه، ۱۳۴۳: ۱۸۰). بعد از آن نوبت به زبیده همسر هارون می‌رسد که زنی رند و اقتدارطلب معرفی می‌گردد؛ گویا شهرزاد مایه‌های زن‌ستیز شدیدی داشته و به جنس مخالف (حتی پست‌ترین افراد آن، مثل گوژپشت و کور و حامل) مقامی بالاتر از یک زن زیبا و ثروتمند داده است. در خلال داستان‌ها کمتر زنی دیده می‌شود که شوی خود را فریب نداده باشد (که در ادامه، شوهر با اقتدا از زن را می‌کوبد) و کمتر مرد عیال‌مندی یافت می‌شود که به دنبال معشوقه زرین‌تن نباشد. دروغ، خیانت، دزدی، طمع در مال دنیا، می‌گساری و عیاشی و به طور کلی رذایل اخلاقی، در عمده این داستان‌ها دیده می‌شود. اگر کسی انسان دیگری را از تشنگی نجات می‌دهد، به این امید است که بعداً بخواهد در کاری از او کمک بگیرد. اگر پسری زحمت سفر و غربت و حمله راهزنان و هزار مصیبت دیگر بر جان می‌خرد و غول دهشتناکی را با مصیبت از میان برمی‌دارد، فقط به طمع این است که دختر در بند او را به چنگ آورد، اگر بازرگانی جنسی نسبه به زنی می‌دهد، گویا می‌خواهد بعداً با وی تسویه حساب کند^۴ و... به طور کلی، فضایل اخلاقی در خدمت شهوت است.

هزار و یک شب در کتب مرجع

در ادامه باید دید، این مجموعه افسانه، چه جایگاهی در نظر کتاب‌شناسان و گزارش نویسان دارد. «الاعلام» یکی از کتاب‌های مهم در زمینه کتاب‌شناسی به شمار می‌رود. مؤلف آن اثر، در معرفی مجموعه هزار و یک شب که از آن به «الف لیله و لیله» تعبیر می‌کند، یکی از افرادی که به آن ارادت نشان داده را «ابوخلیل القبانی (۳۲۰-۶۲۵۷ ق) أحمد بن محمد آغا آقیبق^۵ معرفی کرده که حکایاتی نوشته و آن حکایات را از «الف لیله و لیله» اقتباس نموده است؛ و بعید نیست در تصحیح نسل بعدی آن نیز دخیل باشد (زرکلی دمشقی، ۱۹۸۹ م: ج ۱: ۲۴۸). «توینگن»^۶ یکی از مترجمان آلمانی الف لیله و لیله معرفی گشته (همان: ج ۲: ۳۶) و از «جوزیف شارل ماردروس»^۷ نیز به عنوان

^۳ اساساً شهرزاد غیر از این دو نفر، خیلی اندک نام افراد واقعی را آورده است.

^۴ و جالب این است که خانم مشتری هم این را می‌داند و گاهی عمداً پول نسبه بازرگان را نمی‌دهد و در عوض کنیزی می‌فرستد که نشانی بانویش را به بازرگان بدهد.

^۵ «آقیبق» در زبان ترکی به معنای شخص سبیل سفید است، لذا شاید وی اصالتاً ترک باشد.

^۶ Tubingen

^۷ Joseph Charles Mardrus (۱۸۶۸-۱۹۴۹)

مترجم فرانسوی آن در شانزده جلد نام برده شده است (همان: ۱۴۷). همچنین «مک دونالد»^۸ یکی از جمع آورندگان نسخ الف لیله و لیله بیان بوده و در ضمن به این نکته نیز اشاره شده که نزد وی نسخه‌هایی از آن است که در دست کس دیگری نیست (همان: ج ۲: ۳۳۰). زرکلی در ادامه، «هاییش»^۹ را نخستین چاپ‌کننده هزار و یک شب در اروپا (همان: ج ۵: ۲۵۷) و دقیق‌ترین ترجمه را مربوط به «لین» در سال ۱۸۳۸ می‌داند (همان: ج ۱: ۲۸۴). او همچنین عقیده دارد مشهورترین نسخه مربوط به «برتن»^{۱۰} در سال ۱۸۸۵ است (همان: ج ۳: ۳۸).

مسعودی از مورخان قرن چهارم نیز چنین گفته: بسیاری از صاحب‌نظران این‌گونه داستان‌ها را خرافات و جعلی دانسته‌اند؛ یعنی کسانی که وظیفه نقالی برای پادشاهان داشتند، آن‌ها را بدین ترتیب چیده‌اند. این اثر، به سبک کتب منقول از فارسی و هندی و رومی است (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ج ۲: ۲۵۱).

همچنین آقای سید عبدالحسین طیب از علمای شیعه مفسر اخباری-سنتی معاصر، «الف لیله و لیله» را در زمره سخنان لغو و بیهوده می‌انگارد (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱۲: ۳۴۸؛ ج ۱۳: ۱۳۳؛ ج ۱۴: ۳۹). ابن ندیم از فهرست نویسان مشهور جهان اسلام نیز اصل هزار و یک شب را از ایران می‌داند که فارسیان نخستین آن را ساخته و از زبان حیوانات نقل می‌کردند و بعد اشکانیان و ساسانیان و عرب‌ها هر کدام به نوبه خود اضافات و تغییراتی در آن ایجاد کردند. گویا شهریار، مخاطب هزار و یک شب، به خاطر شکست عشقی‌ای که خورده بود، عهد کرده بود که با هر زنی که شب را می‌گذراند، صبح همان شب او را بکشد؛ ولی وقتی نوبت به شهرزاد می‌رسد، وی با هوشیاری آن‌قدر داستان‌ها را ادامه می‌دهد تا از پادشاه حامله شده و بچه‌ای به دنیا آورد تا پادشاه رحمتی بر شهرزاد و از کشتنش صرف‌نظر کند؛ که گویا در آخر کار موفق می‌گردد (ابن ندیم، بی‌تا: ۴۲۲).

علامه قزوینی نیز در یادداشت‌های خود، تودرتو بودن حکایات هزار و یک شب را وصف داستان‌های هندی دانسته و از آنجا نتیجه می‌گیرد که اصل آن از هند باشد؛ ولی در ادامه، ایرانی‌الاصل بودن آن را قوی می‌داند؛ چراکه برخی حکایات منقول از فارسی مانند «الاضداد» جاحظ و «المساوی» بیهقی نیز چنین وصفی دارند. وی همچنین بر آن است که مقصود از «هزار»، تعداد دقیق داستان‌ها نیست؛ بلکه منظور از آن وصف کثرت است. ایشان در ادامه یک تقسیم‌بندی مفید برای داستان‌های هزار و یک شب ذکر می‌کند: الف- حکایات اولی و قدیمی آن که مربوط به سلیمان نبی و جنیان است، ایرانی است. ب- حکایات مربوط به هارون و سایر خلفا و کنیزبازی و غلام و عیش و نوش، بغدادی است. ج- حکایات مربوط به لوطی‌ها و ساحرها نیز مصری اول‌اند. د- همچنین داستان‌های خشن

^۸Duncan Black Macdonald (۱۸۶۳-۱۹۴۳)

^۹Christian Maximilian Habicht (۱۷۷۵-۱۸۳۹)

^{۱۰}Burton

پی‌سر و پای راجع به جادوگران مصری دوم‌اند که بعد از گذشت عهده‌ی از تصرف اول مصریان در آن، دوباره توسط «یهودیان» بدان افزوده شده است (قزوینی، ۱۳۶۳: ج ۱۰: ۱۰۶). اما به نظر می‌رسد که جامع‌ترین تحقیق در این مورد مربوط به آقای ستاری باشد. در ادامه فرازهایی از پژوهش‌های وی می‌آید:

«مهم‌تر از همه این‌ها نقش شهرزاد است که به سحر بیان شهریاری خون‌ریز و خودسر و خوب‌ستن‌کام را اگر از میان برنمی‌دارد، آدم می‌کند» (ستاری، ۱۳۶۸: ۳). «نخستین برگرداندگان هزار و یک شب برای نیاززدن خاطر مسلمانان، خدایان را حذف و به جای آن دیوان و پریان نهاده‌اند» (همان: ۸۹). «ادگار بلوشه^{۱۱} اصل تورانی را هم به هزار و یک شب می‌افزاید؛ بدین دلیل که دین زرتشت در ایران باستان به شدت با سحر مخالف بود» (همان: ۲۶). «دوساسی^{۱۲}، اصل هزار و یک شب را عربی و بالخصوص مصری می‌داند» (همان: ۲۳). «اما لین^{۱۳} نظر او را به خاطر وجود نشانه‌های باستانی ایران و هند در داستان رد می‌کند... «بارون کارادوو^{۱۴} اصل هزار و یک شب را یونانی دانسته» (همان: ۲۵). «به دلایل ذیل: ذکر سه بار نام خدا، ترس غول از سلیمان، قسم به اسم اعظم خدا که جزء اعتقادات یهود است» (همان: ۲۶). «ولی در هر صورت، گرونباوم^{۱۵} نشانه‌های نمایشی از تمدن یونان در کتاب یافته» (همان: ۲۹). «مک دونالد گمان می‌کند اصل هزار و یک شب که هندی و ایرانی بوده، مختصر بوده و در هر سرگردانی بدان چیزی اضافه می‌شد» (همان: ۵۳). «بر اثر تجزیه و تحلیل علمی ثابت شد که کتاب هزار و یک شب واقعاً در ایران از روی یک سرمشق هندی پدید آمده و در سده نهم به تازی برگردانده شده» (همان: ۵۵). «پری^{۱۶} عقیده دارد خاستگاه قصه‌های تودرتو بین‌النهرین و مصر است، نه هند» (همان: ۵۶). «نویسندگان و مترجمان عرب هر موردی را که از ریشه خارجی کتاب نشانی داشت، با مکان و عرف و آداب اسلام عوض کرده و یکی را جایگزین دیگری ساخته‌اند» (همان: ۶۰). «داستان شاه شهریار و شاه زمان، زن و عفریت، بازرگانی که زبان جانوران می‌دانست، دهقان و خرش از قدیمی‌ترین داستان‌های هزار و یک شب و هندی و ایرانی هستند. بازرگان و عفریت (سه پیرمرد)، سه سیب یا سه به و ریحان زنگی و زن قطعه‌قطعه شده، حسن بصری و نورالسنا، شاهزاده بدر باسم، اسب سحرآمیز و صیاد و عفریت، مربوط به هند؛ نبرد میان عفریت و دختر ملک، مربوط به مغول‌اند؛ و همچنین سیف الملوک و بدیع الجمال و قمرالزمان پسر ملک شهرمان، مربوط به ایران؛ و اردشیر و حیات النفوس، ملک نعمان، نورالدین علی نیز، مربوط به مصر هستند» (همان: ۶۶). «در سلسله داستان‌های معروف به دوره هارون الرشید احادیث

۱۱ Edgard Gabriel Joseph Blochet (۱۸۷۰-۱۹۳۷)

۱۲ Silvestre de sacy (۱۷۵۸-۱۸۳۸)

۱۳ Edward William Lane (۱۸۰۱-۱۸۷۶)

۱۴ Baron Carra de Vaux (۱۸۶۷-۱۹۵۳)

۱۵ Gustave Edmund von Grunebaum (۱۹۰۹-۱۹۷۲)

۱۶ Ben Edwin Perry (۱۸۹۲-۱۹۶۸)

بسیار از وقایع دربار عباسی که غرق در فسق و عیاشی بود، جمع آمده است و باید به یاد داشت که در این قصه‌ها هیچ نشانی از دشمنی مسلمین با مسیحیان نیست؛ بلکه مسلمانان فقط با آتش‌پرستان - مجوس - سر ناسازگاری دارند» (همان: ۷۴). «داستان‌هایی که خلیفه بغداد نقش اصلی را در آن‌ها بازی می‌کند، عربی (عراقی) است» (همان: ۷۶). «در حکایات مصری، عنصر جن و شیطان و سحر و جادو مقامی بس بلند دارد.» همچنین حکایاتی که دزدان نقش محوری در آن بازی می‌کنند، مصری‌اند (همان: ۷۷). «ویکتور شوون^{۱۷} احتمال می‌دهد یکی از برگرداندگان مصری هزار و یک شب، یهودی نومسلمان باشد؛ داستان‌های مصری به عقیده شوون: الف - ابوقیر و ابوصیر^{۱۸}، علی گوهری، علی شیر، دلیلۀ محتاله. ب - بوذر، ابراهیم و جمیله، قمرالزمان، معروف پینه‌دوز، سرور بازرگان، نورالدین و خلیفه صیاد هستند. حتی قبل از شوون نیز، لین گفته بود این چند قصه یک‌دست هستند» (همان: ۸۰). «برخی از قسمت‌های هزار و یک شب قطعاً پیش از قرن چهارم هجری - دهم میلادی - نوشته شده و برخی دیگر متعلق به قرن دهم هجری - شانزدهم میلادی - است» (همان: ۹۹). این، خلاصه سخنانی بود که آقای ستاری در مورد این اثر نوشته است. آقای پاینده مترجم تاریخ طبری نیز می‌نویسد: نام دیگر این کتاب، «شب‌های بغداد» ذکر شده است؛ به‌خاطر کثرت تصرفات قلم به داستان هارون الرشید (طبری، ۱۳۷۵: ج ۲: ۵۴۴۰، پاورقی ۲).

همچنین تارنمای ویکی‌پدیا می‌نویسد: «در سال ۱۲۵۹ هجری قمری، در زمان محمد شاه به دست عبداللطیف طسوجی به فارسی ترجمه شده (این کتاب دارای ارزش تاریخی است اما در کل یک سوم کتاب اصلی را هم شامل نمی‌شود) و به چاپ سنگی رسید چاپ کتاب تا زمان انقلاب اسلامی به همان سیاقی که چاپ کلاله خاور درآمده بود، مشکلی نداشت. بعد از انقلاب هم انتشارات هرمس این کتاب را در سال ۱۳۸۳ منتشر کرد که در ۱۳۸۶ به چاپ دوم رسید.» به این ترتیب، سبیری در تطورات و تحولات هزار و یک شب که مانند داستان‌های آن، پیچیده و معماگونه بود، از نظر گذشت. در ادامه شایسته است به داستان مورد نظر اشاره شود.

واکوی داستان خیاط و گوژپشت در نسخه‌های هزار و یک شب

فراز مورد نظر که در ذیل داستان «خیاط و احدب^{۱۹} و یهودی و مباشر و نصرانی» که مربوط به شب ۲۵ است، چنین نقل شده است:

نسخه «تحقیق تقی شراد»:

شخصی خیاط که با همسرش به منزل بازمی‌گشتند، در بین راه گوژپشتی می‌بینند و او را برای خنده به منزل برده و مجبورش می‌کنند که یک لقمه را نجویده ببلعد. گوژپشت نگون‌بخت هم لقمه در گلویش

۱۷Victor Chauvin ۱۸۴۴-۱۹۱۳

۱۸ داستان این دو نفر را مرحوم آذربیدی در داستانی تحت عنوان «مرد و نامرد» بازنویسی کرده است (آذربیدی، ۱۳۸۵: دفتر ششم).

۱۹ گوژپشت

گیر می‌کند و می‌میرد خیاط نیز جنازه را به در منزل طبیعی یهودی برده و با نقشه‌ای چنین وانمود می‌کند که کشته شدن گوژپشت به دست طبیب یهودی بوده و خود را از این مصیبت خلاص می‌نماید. وقتی که زن یهودی فهمید گوژپشت مرده، به شوهرش می‌گوید: «چون حادثه این است، نشستن تو از بهر چیست که اگر روز برآید و مسلمانان این کشته را در این مکان یابند، نسل یهود از زمین بردارند. برخیز تا من و تو او را به فراز بام برده، به خانه همسایه مسلمان که مباشر مطبخ سلطان است، بیندازیم» (داستان‌های هزار و یک شب، ۳۸۵: ج ۱: ۸۴). برای ریشه‌یابی این سخن، دیگر نسخه‌های هزار و یک شب نیز مورد مطالعه قرار گرفت. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

نسخه «المطبخه الكاثولیکیه»:

«ان قعدت هنا الی طلوع النهار، راحت ارواحنا انا و انت. نصدع به السطح و نرمیه فی بیت جارنا المسلم» (الف لیله و لیله (۱۹۵۶م) بیروت: المطبخه الكاثولیکیه: ج ۱: ۸۳۴)؛ یعنی اگر تا صبح تدبیری نیندیشی و همین‌جا بنشین، روح من و تو از بین خواهد رفت. بیا تا جنازه را به پشت بام برده و به منزل همسایه مسلمانمان بیندازیم.

نسخه «دار الکتب العلمیه»:

«فقالت له: و ما قعودک هاهنا؟ فان قعدت هنا الی طلوع النهار، راحت ارواحنا فانا و انت نطلع به الی السطح و نرمیه فی بیت جارنا المسلم؛ فانه رجل مباشر علی مطبخ السلطان و کثیرا ما تأتی القلط فی بیته و تاكل مما فیہ من الاطعمه و الفیران» (الف لیله و لیله (۱۹۸۵م) بیروت: دار الکتب العلمیه: ج ۱: ۸۰۲). ترجمه فوق شامل این عبارت نیز می‌شود. نکات این نسخه: هر دو نسخه مقدمه ندارند و نام محققشان ذکر نشده.

نسخه «دار و مطابع الشعب»:

همان متن مرجع این پژوهش (الف لیله و لیله (۱۹۶۹م) به کوشش رشدی صالح؛ قاهره: دار و مطابع الشعب: ج ۱: ۱۱۶). نکات این نسخه: سهیر قلم‌اوی که از دست‌اندرکاران هزار و یک شب است (همان: ۴) ادعا کرده از کتاب اصلی چیزی نکاسته (همان: ۵) و موطن هزار و یک شب را نیز هند دانسته است.^{۲۰} (همان: ۷).

نسخه «دار مکتبه الحیاه»:

همان متن مرجع این پژوهش (الف لیله و لیله (بی‌تا) بیروت: دار مکتبه الحیاه: ج ۱: ۸۲۶). نکات این نسخه: در این کتاب از قول محمد بن اسحاق می‌گوید: واضع و بانی الف لیله ابوعبدالله محمد بن

۲۰ نام تصویرگر کتاب نیز «حسین بیکار» است.

عبدوس الجهشیری صاحب کتاب «الورزاء» بوده است (همان: ۷) [ستاری نیز چنین می‌گوید (ستاری، ۱۳۶۸: ۹)]. احتمال داده این طرح جدید هزار و یک شب بین قرن سیزدهم و چهاردهم وضع شده باشد (الف لیله و لیله؛ بیروت: دار مکتبه الحیاه، بی‌تا، ج: ۱: ۸). اسم سابق کتاب را نیز «الف خرافه»^{۲۱} می‌داند (همان: ۹) [ستاری نیز چنین می‌گوید (ستاری، ۱۳۶۸: ۸)].

نسخه «تحقیق العدوی»:

عین متن مرجع این پژوهش (الف لیله و لیله (بی‌تا) به کوشش شیخ محمد قطه العدوی؛ مطبعه عبدالرحمن رشدی‌بک، چاپ دوم: ج: ۱: ۱۰۳).

نسخه «تحقیق افراسیابی»:

«چرا این جسد را به اینجا آورده‌ای؟ اگر مسلمانان او را در اینجا ببینند، نسل ما را نابود خواهند کرد» (هزار و یک شب ۱۳۷۸ ش) به کوشش بهرام افراسیابی؛ تهران: نشر پازند: ج: ۱: ۱۵۱).

نسخه «تحقیق فرهنگ»:

«زن گفت: چون حادثه این است، نشستن تو از بهر چیست که اگر روز برآید و مسلمانان این کشته را در این مکان ببینند، نسل یهود از بین بردارند؛ برخیز تا من و تو او را به بام برده» (هزار و یک شب (بی‌تا) به کوشش موسی فرهنگ؛ تهران: چاپ کیهان و بنگاه مطبوعاتی گوتبرگ: مجلد ۱: ۱۲۶). نکات این نسخه: ادعا کرده کامل‌ترین نسخه هزار و یک شب است و منابع خود را ترجمه طسوجی به صورت چاپ سنگی که در زمان فتحعلی شاه به طبع رسیده و چاپ علمی و مؤسسه خاور معرفی نموده است (همان: ۳).

نسخه «طهرانی»:

همان متن مرجع این پژوهش (هزار و یک شب ۱۳۱۴ ش) به همت حاجی شیخ تاجر طهرانی؛ چاپ افست: ۳۰).

نسخه «علی اکبر علمی»:

همان متن مرجع این پژوهش (کلیات مصور هزار و یک شب ۱۳۲۵ ش) چاپ علی اکبر علمی؛ تهران: ۳۳).

نسخه «محمدحسن علمی»:

^{۲۱}البته خرافه در عربی لزوماً با خرافه در فارسی مترادف نیست و می‌تواند به معنای افسانه باشد.

همان متن مرجع این پژوهش (کلیات مصور هزار و یک شب ۱۳۳۸ ش) چاپ محمدحسن علمی؛ تهران: ۳۳). نکات این نسخه: این دو نسخه دقیقاً یکی هستند، در مقدمه، اصل هزار و یک شب را پارسی و دسترنج چند نویسنده می‌داند، همچنین از ترجمه طسوجی برگرفته شده است.

نسخه «تحقیق حکمت»:

همان متن مرجع این پژوهش (هزار و یک شب ۱۳۱۵ ش) به کوشش علی اصغر حکمت، به همت محمد رضانی دارنده کلاله خاور؛ تهران: چاپخانه پرافتاب؛ ج ۱: ۱۳۲). حکمت در مقدمه می‌نویسد: ریشه هزار و یک شب سه قرن قبل از میلاد در هند نوشته شده و زمان هخامنشیان به ایران آمده، اولین باری که کسوت عربی پوشید، قرن سوم هجری بود و بعد از فراز و نشیب‌های زیاد و حذف و اضافات عمدی و سهوی در قرن شانزدهم به دست «گلان»^{۲۲} به صورت رسمی تدوین و تألیف و به فرانسه برگردانده شد، حکمت از قول مسعودی، شهرزاد را یهودی دانسته و در ادامه تحقیقی از «دوغویه»^{۲۳} هلندی آورده، مبنی بر اینکه هزار و یک شب با کتاب استر در تورات و قسمتی از شاهنامه دارای یک آبشخورند. دوغویه همچنین از اینکه هزار و یک شب، از یهود و مجوس و نصارا با تعصب خاصی مذمت کرده و آنان را جنایتکار و دزد و یا قاتل نشان می‌دهد، انتقاد می‌کند. وجه تسمیه هزار و یک شب از دید حکمت: «می‌بایستی هزار شب بر شهرزاد بگذرد تا از شوهر خود سه طفل حاصل کند و علاقه پدری به اطفال مانع از قتل مادر آن‌ها گردد» ولی از قول «ژیلدمیستر»^{۲۴} گفته که او عقیده دارد تغییر اسم «الف لیله» به «الف لیله و لیله» ناشی از تفری است که اهالی مشرق زمین - خصوصاً عرب‌ها - به اعداد تام داشته و آن‌ها را نحس می‌شمارند.^{۲۵} کتاب برگرفته از ترجمه طسوجی است.

نسخه «تحقیق مصاحب»:

«زن گفت: حالا که این کار شده، معطل نکن! اگر روز بشود و مسلمانان این مرده را اینجا ببینند، هر چه یهودی هست می‌کشند؛ بلند شو تا او را روی پشت‌بام ببریم و به خانه همسایه مسلمان ما - که آشپزباشی پادشاه است - ببندیم» (قصه‌های برگزیده از هزار و یک شب ۱۳۳۷ ش) به کوشش دکتر شمس‌الملوک مصاحب؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ۴۸). نکات این نسخه: ادعا می‌کند که داستان‌های مربوط به یهودیان را در مصر به هزار و یک شب افزوده‌اند (همان: ۵).

نسخه «تحقیق رضاداد و رزازی‌فر»:

^{۲۲}Antoine Galland (۱۶۴۶-۱۷۱۵)-Les Mille et une Nuits

^{۲۳}Michael Jan de Goeje (۱۸۳۶-۱۹۰۹)

^{۲۴}Gildemeister

قصه خیاط و گوژپشت را کلاً حذف کرده (هزار و یک شب (قصه‌های گزیده)؛ به کوشش علیرضا رضاداد و اقدس رزازی‌فر؛ تهران: مؤسسه انتشارات قدیانی: ۱۳۷۹ ش). نکات این نسخه: ریشه هزار و یک شب را از هند می‌داند که زمان هخامنشیان به ایران آمده و در ایران نامش را هزار افسان گذاشته‌اند؛ وجه‌تسمیه‌اش را هم گذشت زمان و خلاصی شهرزاد از دست شهریار دانسته (همان: ۱۲). عقیده دارد داستان علاءالدین و چراغ جادو را اروپاییان به هزار و یک شب افزوده‌اند و در متن عربی وجود ندارد (همان: ۱۴).

نسخه «تحقیق هیئت تحریریه»:

«پس از آنکه زن به هوش آمد، به شوهرش گفت: عجب بدبختی گریبان‌گیرمان شده! باید به هر ترتیبی هست از شر این جنازه خود را خلاص کنیم؛ زیرا اگر این جنازه تا فردا صبح در اینجا بماند، زندگی ما تباه خواهد شد و دیگر نخواهیم توانست در این شهر سر بلند کنیم» (داستان‌های هزار و یک شب (۱۳۷۷ ش) تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال؛ به کوشش هیئت تحریریه: ج ۱: ۴۱۵). نکات این نسخه: تاریخچه هزار و یک شب را از زمان ساسانیان دانسته و آن را محصول هند و ایران معرفی می‌کند. همچنین می‌گوید: «رابرت مک»^{۲۶} در کتاب «سرگرمی‌های شب‌های عربی» که نسخه خلاصه‌شده‌ای از داستان‌های هزار و یک شب انگلیسی است، می‌نویسد: «به‌استثنای کتاب مقدس و کتاب مسخ شدگان^{۲۷} شاهکار اوید^{۲۸} - شاعری که در ۴۳ سال پیش از میلاد می‌زیست - و چند اثر ادبی دیگر، هیچ اثر ادبی دیگری نمی‌توان یافت که به میزان داستان‌های هزار و یک شب در ادبیات انگلیس تأثیرگذار باشد» (همان: ۱۷). گفته که آنچه به دست ما رسیده، جدیدشده باستانی هزار و یک شب نیست، بلکه ترجمه‌شده نسخه عربی آن است که در زمان باستان نامش هزار افسانه بوده (همان: ۴). داستان‌ها را به سه عصر کلی تقسیم کرده: الف - نشئت گرفته از هند و ایران باستان تا اول قرن دهم میلادی، ب - از قرن دهم تا دوازدهم میلادی و اضافاتی که در این مدت در بغداد انجام شد، ج - از قرن دوازدهم تا چهاردهم میلادی و تغییراتی که در مصر بر روی آن انجام گرفت. به طوری که هم داستان سلیمان نبی هست و هم داستان قهوه و تنباکو و تفنگ (همان: ۵). گالان ترجمه‌اش را از روی نسخه مصری تهیه کرد (همان: ۶).

نسخه «تحقیق جواهرکلام»:

داستان فوق را حذف کرده (داستانی از داستان‌های هزار و یک شب (۱۳۷۵ ش) به کوشش فرید جواهرکلام؛ تهران: انتشارات پاییز). نکات این نسخه: اصل هزار و یک شب را ایرانی و در عین حال برخوردار از فرهنگ‌های دیگر به‌خصوص هند می‌داند. همچنین می‌نویسد: برخی مترجمان اروپایی

^{۲۶}Robert L. Mack

^{۲۷}Metamorphoses

^{۲۸}Ovid

بعضی حکایات هزار و یک شب را بدون تصرف به نام خود بر مردم عرضه می‌داشتند؛ مثل کتب زیر که الهام گرفته از هزار و یک شب است: صد سال تنهایی اثر «گابریل گارسیا مارکز»^{۲۹}، فاوست^{۳۰} اثر «گوته»^{۳۱}، تصویر دوریان گری اثر «اسکار وایلد»^{۳۲} و رؤیا در شب نیمه تابستان اثر «شکسپیر». شعرهای فارسی هزار و یک شب آثار سعدی و فردوسی و حافظ و جامی است که سروش اصفهانی آن‌ها را به سلیقه حرفه‌ای خود به جای اشعار عربی آورده، طسوجی نیز کم و بیش تغییراتی در نسخه عربی داده و آن را به فارسی برگردانده است (همان: ۳-۷). همچنین گفته است: «تحقیق جلال آل احمد به ما نشان می‌دهد که سندباد نامه، چهل طوطی، کلیله و دمنه، سیاست‌نامه، مثنوی مولوی، قابوس‌نامه، مرزبان‌نامه، منطق‌الطیر، اسطوره سیاوش شاهنامه و از همه مهم‌تر قصص قرآن مجید از منابع اصلی داستان‌های هزار و یک شب بوده است» (همان: ۱۱).

نسخه «تحقیق عاملی»:

«اگر سلطان بفهمد دلکک لوس و نرش را من کشته‌ام، یقیناً سرم را از تم جدا می‌کند؛ زیرا او همیشه ادایم را نزد سلطان درمی‌آورد بالاخره طیب و دو پسر و همسرش و کنیزک بعد از چند دقیقه مشورت تصمیم گرفتند جنازه کوتوله دلکک را از روی پشت‌بام به خانه همسایه پرت کنند» (قصه‌های هزار و یک شب (۱۳۸۵ ش) به کوشش حمید عاملی؛ تحقیق و توسعه رادیو؛ تهران، نشر طرح آینده: (نسخه الکترونیکی): (اوایل ج ۳). نکات این نسخه: اصل هزار و یک شب را از یک کشور خاص نمی‌داند، بلکه مخلوطی از چین و مغول و هند و ایران و تاتار و می‌داند؛ عقیده دارد وقتی برای ترجمه به زبان عربی به بغداد فرستاده شده (طبق گفته حکمت: در سده سوم) مواردی بدان افزوده شده و به مصر هم که برده شده، آنجا هم دچار اضافاتی گشته است (همان: مقدمه ج ۳). نام اصلی داستان را «هزار داستان» می‌داند که از زمان هخامنشیان یادگار مانده و کامل‌ترین کتاب به‌جا مانده از عهد قدیم است که شکل‌گیری آن از ده قرن قبل از میلاد تا خود میلاد به طول انجامیده، ولی اصل آن باقی نمانده است، اولین بار در زمان هارون الرشید به عربی ترجمه شد. همچنین اعتقاد دارد هر بلایی که سر هزار و یک شب آمده، در همان عصر ترجمه در سده سوم هجری بوده. دیگر آنکه نویسندگان عباسی برای اینکه هارون و زبیده و جعفر را داخل داستان بگنجانند، نام شخصیت‌های اصلی را حذف (و نه صرفاً اضافه) کردند؛ زبیده را وسیله روسپی‌گری یک دختر در بازار مسلمانان قرار دادند. زن که در شاهنامه بسی مورد تعظیم و اجلال قرار می‌گیرد، در هزار و یک شب زمان هارون به کلی خرد و به موجودی هوس‌باز بدل می‌گردد. همچنین اعتقاد دارد اگر کاتبان بغدادی به خاطر خوشایند هارون هزار و یک

^{۲۹}Gabriel José García Márquez (۱۹۲۷-۲۰۱۴)

^{۳۰}Goethe's Faust

^{۳۱}Johann Wolfgang von Goethe (۱۷۴۹-۱۸۳۲)

^{۳۲}Oscar Fingal O'Flahertie Wills Wilde (۱۸۵۴-۱۹۰۰)

شب را تحریف نمی‌کردند، تاکنون می‌توانستیم حداقل مقداری از هزار داستان هخامنشی را داشته باشیم. وی در ادامه از کاتبان مصری تقدیر کرده و گالان را نیز جزء تغییردهندگان هزار و یک شب می‌داند (همان: مقدمه ج ۱). کتاب به کلی عوض شده و از باب مثال لفظ «یهودی» و «نصرانی» و «مسلمان» از داستان فوق برداشته شده است. این کتاب در سال ۲۰۰۴ (که یونسکو آن را سال هزار و یک شب نامیده) در رادیو خوانده شده است.

نسخه الکترونیکی آی کتاب:

«پس چرا نشسته‌ای که اگر تا خود صبح هم اینجا بنشینم سودی ندارد؛ بیا من و تو او را برداریم و پایین ببریم و در حیاط خانه همسایه مسلمانمان بگذاریم» (شب بیستم، سایت iiketab.com). نکات این نسخه: نه منبع آن معلوم است و نه محقق آن و نه مقدمه دارد.

نسخه «تحقیق اقلیدی»:

«زن گفت: پس چرا نشسته‌ای؟ اگر تا خود صبح هم بنشینم، سودی ندارد؛ بیا من و تو او را برداریم و پایین ببریم و در حیاط خانه همسایه مسلمانمان که» (هزار و یک شب (۱۳۷۶ ش) به کوشش محمدابراهیم اقلیدی؛ تهران: انتشارات پژوه: ج ۱: ۹۸). نکات این نسخه: سروش اصفهانی را صرفاً جایگزین کننده اشعار عربی به فارسی نمی‌داند، بلکه عقیده دارد خود وی نیز اشعاری از خود سروده است (همان: ۳). این نیز علی‌رغم آنکه برگرفته از ترجمه طسوجی است، ولی به آن بسنده نکرده و به نسخه‌های عربی و انگلیسی هزار و یک شب نیز رجوع کرده است. وی همچنین خاستگاه هزار و یک شب را کتابی به نام «اقیانوس افسانه‌ها» می‌داند که هندی بوده و پس از آمدن به ایران نزدیک دوهزار سال پیش، نامش هزار افسانه شده است. وی اعتقاد دارد عدد «هزار» که در نام این کتاب است، نه به معنای واقعی عدد، بلکه به معنای پرشمار و زیاد است. اقلیدی همچنین عقیده دارد هزار و یک شبی که امروز در دست است، هسته‌اش به دست عرب در هزار سال پیش ایجاد شده و پیش از آن قصه‌های بی‌نظم و پراکنده‌ای بودند (همان: ۴).

نسخه «ارتباط نوین»:

مانند مصدر (تهران، ارتباط نوین: ۸۴).

خلاصه‌ای از نسخه‌ها و عباراتی که از داستان «خیاط و گوژپشت» در برخی از آن‌ها وجود داشت، از دیده گذشت. در جمع‌بندی می‌توان چنین گفت: در نسخه‌های عربی، فراز مزبور وجود ندارد و خیاط یهودی در آن نسخه‌ها صرفاً بر جان خویشتن ترسیده است («راحت ارواحنا» یعنی روح ما از جانمان خارج شود؛ حال یا به سبب ترس از مسلمانان و یا اینکه آن‌ها ما را بکشند) نه اینکه برکنده شدن نسل خویش بترسند. ولی متقابلاً در تمام نسخه‌های فارسی قدیمی چنین جمله‌ای وجود دارد؛ یعنی در هیچ نسخه عربی‌ای دیده نمی‌شود ولی در تمام نسخه‌های پارسی دیده می‌شود. لذا نتیجه‌ای که به

دست می‌آید، این است که منبع نسخه‌های عربی با منبع نسخه‌های فارسی جداست و این دو گروه بلاواسطه و بلافاصله از یکدیگر ترجمه نشده‌اند. در این بین در نسخه‌های عربی اشاره‌ای به منبع خود ننموده و نوشته بودند که این نسخه از چه نسخه قدیمی‌تری رونوشت شده است؛ اما نسخه‌های فارسی منبع خود را ترجمه طسوجی معرفی کرده بودند؛ از باب مقدمه هزار و یک شب چند چاپ حیاتی و سرنوشت‌ساز داشت که مهم‌ترین چاپ‌ها عبارت‌اند از: طبع بروسلاو ۱۸۳۵ م، طبع کلکته ۱۸۴۲ م، طبع بولاق مصر ۱۸۶۳ م^{۳۳}، طبع قاهره و طبع بیروت ۱۹۱۲ م. حال سؤال این است که آیا در همین طبع بولاق، عبارت «کنده شدن نسل یهود» به کتاب افزوده شده، یا اینکه این عمل ابتکار خود طسوجی و به سفارش فتحعلی شاه و اطرافیان وی بوده؟ و احتمال سوم اینکه قبل از چاپ بولاق هم وجود داشته؟ از آنجا که در حال حاضر حتی یک نسخه هم پیدا نمی‌شود که مربوط به قبل از انتقال هزار و یک شب به مصر باشد، جواب دادن به این سؤال، مشکل است.

اما در نسخه‌های جوان‌تر فارسی که شکل بازنویسی و تلخیص دارند، این جمله یا مشابه آن نیست. در این میان آقای ستاری چنین اظهارنظر می‌کند: «طرز درج کردن قصه در قصه شیوه خاص هندوان است» (ستاری، ۱۳۶۸: ۱۷). «و چون حکایت گوژپشت، حکایت اندر حکایت است، احتمال داده می‌شود که هندی باشد» (همان: ۱۸). «مولر عقیده دارد داستان‌هایی که مربوط به یهود است، پیش از سال ۳۳۴ قمری (۹۴۵ م) به بغداد وارد شد و یک جا، نه تکه‌تکه، به هزار و یک شب افزوده گشت» (همان: ۷۶). «به اعتقاد بکر^{۳۴} تدوین نهایی هزار و یک شب به دست یک‌تن یهودی در قاهره انجام یافته است» (همان: ۸۱). «ابراهیم میمون، همان ابن میمون دروغین و فرزند دروغین موسی بن میمون (۵۲۹-۶۰۱ ق) یک یهودی بود. وی در مصر بر هزار و یک شب آثاری از یهود، از جمله از وهب بن منبه^{۳۵} (متوفی ۱۱۶ صنعا) افزود.» علامه قزوینی نیز مطلبی می‌گوید که بی‌ربط به موضوع نیست: «عبیدالله مهدی اول خلفای فاطمیان مصر، به قول بعضی یهودی‌الاصل بوده، یعنی پسر حدادی یهودی بوده از اهل سلیمه که حسین، آخرین امام از نسل عبدالله بن میمون قدام، چون اولاد نداشت، او را ولی عهد خود کرد؛ زیرا که وی پسر زن حسین مذکور بود» (علامه قزوینی، ۱۳۶۳: ج ۷: ۱۶۷).

با توجه به اینکه تصرفات اول و دوم در هزار و یک شب در مصر، معاصر با حکومت فاطمیان و جنگ‌های صلیبی بوده (حدود ۱۰۰۰ میلادی) این نکته می‌تواند راهنمای خوبی باشد. لذا با دقت در نسخه‌های متعدد هزار و یک شب و توجه به قراین تاریخی، روی هم رفته می‌توان گفت، یقیناً در فرایند ترجمه این مجموعه داستان‌ها از عربی به فارسی، فراز مزبور به آن افزوده شده و این عبارت تا قبل از آن و در نسخه‌های عربی یافت نشده است. ولی دقیقاً نمی‌توان شخص یا گروه خاصی را

۳۳ همین نسخه بود که طسوجی آن را در تیریز در سال ۱۲۶۰ به فارسی برگرداند.

۳۴:Becker

۳۵ آیت الله خویی این شخص را به عنوان راوی حدیث، تضعیف می‌کند (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ج ۱۵ ص ۴۵).

مسبب این کار دانست. گرچه به هر حال به اصل داستان خدشه‌ای وارد نمی‌کند و در اصل عربی داستان، چنین جمله‌ای دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق مورد نقد و بررسی قرار گرفت، این بود که داستان‌های هزار و یک شب که میراثی بزرگ و جالب‌توجه و بسیار شیرین و جذاب است، از عبارت‌های قابل تأمل و تصرفات مغایر با روند کلی داستان، خالی نیست. یکی از این فرازهایی که به نظر می‌رسد از جمله همین تحریفات باشد، این است که زن و شوهر یهودی‌ای که در دیار مسلمانان زندگی می‌کردند، هنگام مواجهه با جنازه یک انسان که خود ناخواسته مسبب مرگ وی بوده‌اند، آن‌چنان نگران و ترسان شدند که تصور کردند اگر مسلمانان از این مسئله خبردار شوند، نسل یهود را از روی زمین بر خواهند داشت. در این راستا با جستجویی که در نسخه‌های موجود هزار و یک شب انجام گرفت، مشخص شد که در اصل عربی این کتاب، تعبیر فوق وجود ندارد - و یقیناً نیز تمام نسخه‌های هزار و یک شب فارسی موجود در بازار از نسخه طسوجی منشعب شده و آن نسخه نیز از نسخه عربی اقتباس شده است و هیچ نسخه فارسی اصیلی که نسخه‌های عربی از روی آن اقتباس شده باشند و همان به دستور هارون به عربی ترجمه شده بود، دیگر وجود ندارد؛ و در حین ترجمه آن از نسخه بولاق مصر به فارسی بوده که در یک فرایندی ناشناخته، آن عبارت افزوده شده است.

منابع

- قرآن کریم
- آذریزدی، مهدی. (۱۳۸۵ ش.). قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن: مجموعه کامل ده دفتر در یک کتاب، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات اشرفی.
- ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق بن محمد بن اسحاق. الفهرست، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
- الف لیله و لیله. (۱۹۵۶ م.). بیروت: المطبعة الكاثولیکیه.
- الف لیله و لیله. (۱۹۶۹ م.). به کوشش رشدی صالح؛ قاهره: دار و مطابع الشعب.
- الف لیله و لیله. (۱۹۸۵ م.). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الف لیله و لیله. (بی‌تا). به کوشش شیخ محمد قطه العدوی؛ مطبعه عبدالرحمن رشدی‌یک، چاپ دوم.
- الف لیله و لیله. (بی‌تا). بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- داستان‌های هزار و یک شب (۱۳۸۵ ش.). ترجمه عبداللطیف طسوجی تبریزی، تحقیق علی اکبر نقی‌نژاد، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- داستان‌های هزار و یک شب. (۱۳۷۷ ش.). تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال؛ به کوشش هیئت تحریریه.
- داستانی از داستان‌های هزار و یک شب. (۱۳۷۵ ش.). به کوشش فرید جواهرکلام؛ تهران، انتشارات پاییز.
- زرکلی دمشقی، خیرالدین بن محمود بن محمد. (۱۹۸۹ م.). الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، چاپ هشتم، بیروت، دار العلم للملایین.
- ستاری، جلال. (۱۳۶۸ ش.). افسون شهرزاد: پژوهشی در هزار افسان، چاپ اول، تهران: نشر توس.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۷۵ ش.). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اساطیر.
- طبیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸ ش.). اطیب البیان: فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- علامه قزوینی، محمد بن عبدالوهاب بن عبدالعلی. (۱۳۶۳ ش.). یادداشت‌های قزوینی، تحقیق ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- قصه‌های برگزیده از هزار و یک شب. (۱۳۳۷ ش.). به کوشش شمس‌الملوک مصاحب؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- قصه‌های هزار و یک شب. (۱۳۸۵ ش.). به کوشش حمید عاملی؛ تحقیق و توسعه رادیو؛ تهران، نشر طرح آینده: نسخه الکترونیکی.
- کلیات مصور هزار و یک شب. (۱۳۲۵ ش.). چاپ علی اکبر علمی؛ تهران.
- کلیات مصور هزار و یک شب. (۱۳۳۸ ش.). چاپ محمدحسن علمی؛ تهران.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسن. (۱۴۰۹ ق.). مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دار الهجره.
- مغنیه، محمدجواد، شیعه و زمامداران خودسر (۴۳۱۳ ش.)، ترجمه مصطفی زمانی، چاپ دوم، قم، شهید گمنام.
- موسوی خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ ق.). معجم رجال‌الحديث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ پنجم، نجف: مؤسسه الامام الخوئی الاسلامیه.
- هزار و یک شب: قصه‌های گزیده. (بی‌تا). به کوشش علیرضا رضاداد و اقدس رزازی‌فر؛ تهران: مؤسسه انتشارات قدیانی.
- هزار و یک شب. (۱۳۱۴ ش.). به همت حاجی شیخ تاجر طهرانی؛ چاپ افست.
- هزار و یک شب. (۱۳۱۵ ش.). به کوشش علی اصغر حکمت، به همت محمد رضانی دازنده کلاله خاور؛ تهران: چاپخانه پر آفتاب.
- هزار و یک شب. (۱۳۷۶ ش.). به کوشش محمد ابراهیم اقلیدی؛ تهران: انتشارات پژوهش.
- هزار و یک شب. (۱۳۷۸ ش.). به کوشش بهرام افراسیابی؛ تهران: نشر پازند.
- هزار و یک شب. (بی‌تا). به کوشش موسی فرهنگ؛ تهران: چاپ کیهان و بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ.
- هزار و یک شب. (بی‌تا). تهران، ارتباط نوین.